



تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه ۵	تاریخ	۱۴۰۰/۰۸/۱۳
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج			
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح			
عنوان ۳	شرط کفویت			
عنوان ۴	اموری که موجب سلب کفویت می شود			
عنوان ۵	کفر			
عنوان ۶	نکاح با کتابیه			
عنوان ۷	بررسی حکم اجبار کتابیه به انجام غسل حیض			

بحث ما در کفویت بود و گفتیم یکی از موانع کفویت، کفر است؛ به همین مناسب گفتیم بدون شک، کفر مشرکان، مانع کفویت است و هیچ گاه مشرک، کفو مسلم نخواهد شد؛ و بعد به کفر کتابی پرداختیم و به این مناسب بحث تزویج با کتابیه را مطرح کردیم و به این نتیجه رسیدیم که ازدواج با کتابیه، با شرایطی جایز است. یکی از شرایطش این است که تزویج با کتابیه، نباید بر مسلمة باشد؛ کسی که زن مسلمان دارد، نمی تواند با کتابیه ازدواج کند؛ مگر ازدواج موقت. و همچنین گفتیم تزویج با کتابیه در مواردی که شخص نتواند با زن مسلمان ازدواج کند، به طور مطلق جایز است. و در انتها بیان داشتیم که معنای جواز ازدواج با کتابیه - در مواردی که جایز است - به معنای کفویت نیست و این را شرح دادیم که چرا این جواز ازدواج، مستلزم کفویت نیست. این بحث به پایان رسید.

در این مسأله، فروعی وجود دارد:

بررسی حکم اجبار کتابیه به انجام غسل حیض

فرع اول اینکه اگر شخصی با کتابیه ازدواج دائم انجام داد - در مواردی که جایز است - آیا می تواند او را اجبار به عمل به تکالیف اسلامی کند یا خیر؟ تکالیف اسلامی مانند نماز و روزه که نه؛ واجب نیست که به او بگوید نماز بخوان و روزه بگیر؛ و اصلاً اگر او چنین اعمالی را انجام دهد که از او این اعمال قبول نیست؛ زیرا باید مسلمان شود و با قصد قربت نماز و روزه بگیرد؛ آنچه در اینجا مورد بحث است این است که آیا می تواند او را جبر کند که غسل حیض انجام دهد؟ زیرا اگر غسل حیض نکند، نمی تواند با او همبستر شود. مخصوصاً اگر قائل شویم به اینکه عدم جواز همبستری با زنی که حائض است تا زمانی که غسل انجام دهد ادامه دارد و انقطاع دم کافی نیست.

در اینجا برخی از فقها مانند مرحوم علامه در قواعد، شهید ثانی در مسالک، صاحب حدائق گفتند: «له اجبارها علی غسل الحیض و ان کان فاسداً منها، بناءً علی الاشتراط الجواز الوطی به»؛ گفتند اگر جواز وطی زن را مشروط به

غسل از حیض دانستیم، مرد می‌تواند زن کتابیه را اجبار به غسل کند، اگرچه غسل او باطل است؛ و این تطهرش به همان غسلی است که انجام می‌دهد ولو اینکه باطل باشد؛ اما همین غسل باطل، برای مرد جواز وطی ایجاد می‌کند. مرحوم صاحب جواهر این سخن را نمی‌پذیرد و می‌فرماید وقتی غسل او باطل است، غسل او کلا غسل است؛ غسلی که می‌گوییم یعنی غسل با نیت؛ و نیت قربت که از او حاصل نمی‌شود؛ لذا هیچوقت غسلش، غسل صحیح نخواهد بود.

ما می‌گوییم اصل این مطلب که جواز وطی زن حائض بعد از انقطاع دم، معلق بر غسل باشد غلط است؛ و اینکه می‌فرماید: «فَإِذَا تَطَهَّرَنَ فَأَتَوْهُنَّ»^۱ اشاره به استحباب انتظار تا غسل دارد. روایات صحیحه فراوانی وجود دارد در کتاب وسائل ج ۲؛ ص ۳۲۴ به بعد و همچنین باب ۲۷ از ابواب الحيض حدیث ۳ - ۵؛ در تمام این احادیث، صریحاً جواز وطی زن بعد از انقطاع دم ولو قبل از غسل، آمده است؛ البته روایات دیگری نیز وجود دارد که از آنها کراهت استفاده می‌شود. بنابراین مشکل از اساس حل است. بله؛ در ایامی که زن کتابیه خون می‌بیند، بر مسلم جایز نیست که همبستر او شود؛ که می‌فرماید:

«وَيَسْتَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ»^۲،

و از تو، در باره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده‌ای است؛ از این رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره‌گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننماید، تا پاک شوند.

«حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ» یعنی «حتیٰ ینقطع الدم عنهم».

اضافه بر روایاتی دلالت بر جواز دخول به زن بعد از انقطاع خون و عدم اشتراط اقتراب زن به غسل دارند، مدلول التزامی تمام روایاتی که دال بر جواز ازدواج با کتابیه است نیز همین است؛ زیرا اگر بنا بود که استمتاع با کتابیه، مشروط به این شرط باشد که غسل حیض انجام دهد، از همان ابتدا ازدواج با آن را جایز نمی‌دانستند؛ زیرا معمولاً اینطور است که با زنی ازدواج می‌کنند که در دوره‌ای قرار دارد که حیض می‌بیند؛ نه قبل از بلوغ؛ و اگر قرار باشد جواز استمتاع با کتابیه مشروط به غسل باشد و از آنجا که غسل کتابیه صحیح نیست، پس برای جواز ازدواج با کتابیه موردی باقی نمی‌ماند مگر مورد نادر؛ لذا می‌توان ادعا کرد که مدلول التزامی ادله‌ای که دال بر جواز ازدواج با کتابیه هستند نیز این مطلب را تأیید می‌کند که اغتسال از حیض، شرط جواز استمتاع به کتابیه نیست و الا اگر اغتسال از حیض، شرط جواز استمتاع به کتابیه بود، معنایش این بود که اصلاً ثمره جواز تزویج منتفی شود؛ و فقط جواز عقد وجود دارد؛ که این صحیح نیست و معلوم است که معنای جواز ازدواج با کتابیه، جواز تمام آنچه از لوازم نکاح است می‌باشد که مهم‌ترین آنها مسأله همبستری و استمتاع است.

۱. «وَيَسْتَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأَتَوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»؛ سورة بقره: ۲۲۲.

اگر بنا را بر این گذاشتیم که استمتاع به زنی که خورش قطع شده جایز نیست مگر اینکه غسل کند، در این صورت کلام صاحب جواهر درست است که می‌گوید جایز نیست؛ مگر اینکه مسلمان شود؛ که این بدین معناست که ازدواج با کتابیه جایز نیست مگر اینکه مسلمان شود.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین